

Oil and Gas in the Caucasus & Caspian, a History. Charles van der Leeuw, 2000, Curzon, Caucasus World, 190.p.

نفت و گاز در قفقاز و خزر، بررسی تاریخی، نوشته: چارلز وان در لیو، انتشارات کرزن، ۱۹۰ ص، ۲۰۰۰.

نظارت بر انرژی و منابع آن، عمیقاً در ارتباط با قدرت‌طلبی و جستجوی نفت و گاز، از داستان‌های غم‌انگیزی است که نمایانگر پیشرفت غالباً طولانی بشر در طول تاریخ است. منابع هیدروکربوری و اکتشاف آنها به عنوان یک منبع درآمد قابل توجه، چارچوب خود را در قفقاز و ناحیه خزر یافته است و تصادفی نیست که در اسطوره‌ها گفته شده است که پرومته به بهشت صعود کرد تا آتش مقدس را از خدایان بریاید و به مردم بدهد (در اینجا، همچنین تاتیان نیرومند برای عمل نوع‌پرستانه خود، به زنجیر کشیده شده و عذاب دید). پس از یک سده تولید پرسروصدا، در دوره جنگ سرد، انزوا و سوء مدیریت شوروی، اکنون منطقه در تلاش برای به دست آوردن روزهای طلایی خود، در مرکز جهان تولید انرژی از نو مطرح شده است.

نویسنده کتاب، روزنامه‌نگار ۵۰ ساله‌ای است که در دهه ۱۹۸۰ متخصص مسایل خاورمیانه بود و در ۱۹۸۶ نخستین کتاب خود را به نام «جنگ خلیج» در مورد جنگ ایران و عراق منتشر کرد. از بهار ۱۹۸۷ تا پایان ۱۹۸۹ وی به عنوان خبرنگار جنگی در لبنان خدمت می‌کرد که در نهایت منجر به ربوده شدن او در ۱۹۸۹ گردید و پس از آزادی در ماه دسامبر همان سال، وقایع اسارت خود را در کتابی به نام «لبنان

زخمی بیگناه» شرح داده است. در اوایل ۱۹۹۲ او یکی از نخستین کتاب‌ها را درباره بحران کویت، تحت عنوان «کویت می‌سوزد» منتشر کرد.

در اکتبر ۱۹۹۲ وی به عنوان خبرنگار جنگی در باکو مستقر شده درباره مناقشات مسلحانه در منطقه قفقاز جنوبی به تهیه خبر پرداخت. در پایان ۱۹۹۷، کتابی درباره نقش جنایات سازمان یافته فراملی در قاچاق مواد مخدر به رشته تحریر درآورد. نویسنده کتاب‌های دیگری در زمینه دنیای قفقاز، از جمله «طوفان بر فراز قفقاز در آستانه استقلال»، «آذربایجان در جستجوی هویت، تاریخ مختصری از ملتی از دوره پیش از تاریخ تا کنون» تألیف و منتشر کرده است.

کتاب «نفت و گاز در قفقاز و خزر»، نخستین کتابی است که درباره امیدبخش‌ترین منطقه تولید انرژی در سده بیست و یکم، به رشته تحریر درآمده است. این کتاب مجموعه‌ای است که اطلاعات ارزشمندی درباره موضوعات تاریخی از دوره باستان، جدید و معاصر نفت و گاز قفقاز و خزر، ارائه می‌دهد. وقایع جهان نفت، جایی که حقایق و ارقام، تقریباً نیمی از داستان به‌شمار می‌روند، جایی که انسان‌های دغل و دسیسه‌گران، صحنه را همراه با قدرت شکنان سیاسی و چندملیتی، آن را تکمیل می‌کنند.

این داستان شرح منافع شخصیت‌های تجاری و سیاسی است که با هم در شرط‌بندی تجارت نفت سهیم هستند، اما داستان طرف انسانی دیگری نیز دارد. یکی از جالب‌ترین سؤالات در تاریخ جدید آن است که می‌پرسد چرا مردم برای ایجاد خونریزی بر روی این کانی مایع حرکت می‌کنند، ارزش نقدی چیزی که به زحمت پاسخگوی تعصبی است که دنبال می‌شود.

پاسخ متعدد، پیچیده و در عین حال رضایت‌بخش نیست و بر حسب دیدگاه‌های سیاسی و استراتژیک متفاوت است و به همین جهت است که چرا این کتاب همان قدر که درباره نفت و بازارهای آن بحث می‌کند، درباره مردم نیز بحث دارد. در مقابله با دیگر انتشارات درباره موضوع، کتاب حاضر ضرورتاً کوششی است برای نمایش بازیگران غالباً خودخواه و نیز داعیان غالباً کوتاه‌بین. خلاصه کردن داستان نفت یکی از داستان‌های شگفت‌انگیز زمان ما درباره انسان و تناقض‌های اوست.

همان‌گونه که فیلسوفان غربی در بیش از ۲۵ قرن پیشتر بدان اشاره داشته‌اند، اگر ثروت و

آسایش تنها پیشرفت شایسته انسان بودند، پس دنیا مطمئناً، نه همه آن، باید صلح طلب باشد، پس اقلاً کم خطرترین جا برای زندگی در آن، امروز است. هرچند ثروت و آسایش در واقع صرفاً تظاهر هدف نهایی همه گروه‌ها و افراد است که به‌طور تساوی خواهان قدرت هستند. این همانی هست که انسان را در مقایسه با دیگر مخلوقات متمایز می‌کند و این تمایز و آرزو، موضوع این کتاب، یعنی سوخت است.

قفقاز گهوارهٔ هیدروکربن‌ها و اکتشاف آن برای مصرف، جایی است که شخصیت اسطوره‌ای پرومته‌نوس، مسکن داشت و جایی که او بر قلّه بلند آن صعود کرد. کتاب نفت و گاز در قفقاز و خزر از هفت فصل تشکیل شده است:

فصل اول: آتش زرتشت

انرژی مرده برای زندگی - در این مبحث نویسنده از نیاز و مطالبات انسان به انرژی از نفت چراغ و از سابقه نفت و آتش مقدس حاصل از گازهای طبیعی که در آتشکده‌های آبشوران در دورهٔ ساسانیان مورد استفاده قرار می‌گرفت سخن به میان آورده است. نویسنده در این بخش به نقل از «دربندنامه» یک اثر تاریخی متعلق به قرن سوم هجری به زبان فارسی از مؤلفی ناشناخته سخن می‌گوید که شرحی از آن را نخستین بار میرزا کاظم بیک، متخصص تاریخ از قازان، به زبان انگلیسی منتشر می‌کند. کاظم بیک یک آذری تبار مسلمان بود که به دین مسیحیت گروید و عضو آکادمی سلطنتی علوم سنت پترزبورگ و عضو افتخاری انجمن آسیایی - فرانسه و عضو انجمن سلطنتی آسیایی بریتانیا و ایرلند بوده است.

بنابه دربندنامه در سال ۲۷۲ هجری خلیفه بغداد درآمدهای حاصل از چشمه‌های نفت و معادن نمک باکو را به اهالی دربند اجاره می‌دهد و درآمدهای حاصل از آن را برای سپاهیان مستقر در دربند اختصاص می‌دهد.

نویسنده با استناد به سفرنامه مارکوپولو می‌نویسد با این که مارکو خود شخصاً دیداری از باکو نداشته ولی به نقل از مسعودی که در ۹۱۵ میلادی از باکو دیدار کرده نوشته است که کشتی‌های بسیاری به باکو می‌روند که در آنجا در کنار دیگر انواع نفت، چاهی است که در آن نفت سفیدی وجود دارد که بهتر از آن نیست و خدا شاهد است. شهر در قلمرو پادشاهی شیروانشاه

است و منطقه نفتی در آن واقع است و در آنجا از دودکش‌های بیشماری که در آن است، آتش ابدی بیرون می‌آید.

سفرنامه‌ها

نویسنده کتاب در این بخش راجع به سفرنامه‌ها و سیاحانی که از باکو دیدار کرده‌اند مطالبی ارائه داده است. در قرن پانزدهم میلادی در دوره فرمانروایی اوزون حسن بر منطقه، دو سیاح ونیزی به نام‌های آمبروسیو کنتارینی و ژوزفه باربارو که از ونیز به تبریز برای دیدار اوزون حسن عازم بودند، در سر راه خود از باکو دیدار کرده و مطالبی درباره نفت ارائه داده‌اند.

در دوره صفویه باکو مجدداً رونق خود را باز می‌یابد ولی در دوره جنگ‌های ایران - عثمانی از تولید نفت کاسته می‌شود و جنگ بین شاهزاده‌نشین‌های مسکووی و اردوی طلایی و انسداد راه‌های تجاری، صادرات نفت را کاهش می‌دهد.

در این بخش نویسنده کتاب از رقابت دول اروپایی برای دستیابی به راه‌های تجاری دریایی بحث می‌کند و اظهار می‌دارد که در اوایل ۱۵۸۰ یک انگلیسی به نام جئوفری دیکت، اولین فرد غربی مشهوری است که با پشتیبانی ملکه انگلیس یک شرکت تجاری در باکو تأسیس کرد. در آغاز کار، دکت برای ارتباط با دریای خزر، از راه‌های کاروانرو باستانی، از میان بین‌النهرین و ایران بهره می‌گیرد. هنگامی که امپراتوری عثمانی در سال ۱۵۹۰ شیروان را به تصرف درآورده و حکومت باکو را به خان دربند واگذار می‌کنند، تجارت او مورد تهدید قرار می‌گیرد. اما انگلیسی نامبرده، با کسب امتیاز از شرکت سوبلیمه پورنه، نفت را از باکو به تقلیس حمل و از آنجا از طریق رود فرات، نفت را با قایق به بصره صادر کرده به عاملین انگلیسی می‌فروخت و آنها نفت را به بریتانیا یا دیگر نقاط حمل می‌کردند.

یکی از شاهدان عینی فعالیت‌های نفتی در باکو، جان کارت رایت میسیونر انگلیسی است که در حدود سال ۱۶۰۰ در دیدار از باکو در مورد کاروان‌های متعددی که از ۳۰۰ تا ۴۰۰ قاطر تشکیل شده بودند، خبر می‌دهد. او می‌نویسد که نفت را در درون مشک پر کرده و با قاطر حمل می‌کردند.

پس از فتح دوباره باکو توسط ایرانی‌ها در ۱۶۰۴ در دوره صفویه، تولید و تجارت نفت در

انحصار دربار بود. پس از تصرف سواحل دریای خزر در ۱۷۲۲ توسط پترکبیر، تجارت نفت در اختیار روس‌ها قرار گرفت.

پیشگامان شبه جزیره

در این بخش نویسنده از سیاحانی نام می‌برد که از باکو دیدار داشته‌اند. از جمله کمپفر، گامبا و گزارش‌های آنان از معادن نفت باکو، بی‌بی هیبت و بیال، در این مبحث آورده شده است. با تسخیر باکو، پترکبیر چاه‌های نفت را مصادره و بهره‌برداری از آنها را به شاهزاده ماتوشکین واگذار می‌کند که از طرف دربار تزار برای نظارت بر امور، در باکو مستقر می‌شود. روس‌ها در ۱۷۳۵، پس از شکست در عملیات تسخیر سواحل جنوبی دریای خزر، منطقه را ترک گفتند. پس از عقب‌نشینی آنها، باکو و منابع نفتی آن وارد دور تازه‌ای از خشونت‌ها بین سرمایه‌داران محلی و شاهزادگان محلی با سپاهیان ایران می‌شود. در نتیجه جنگ‌های ایران و روس در آغاز قرن نوزدهم، مناطق نفت‌خیز آبخوران و باکو به تصرف دائمی روسیه درآمد.

فصل دوم: آبخورون بیدار می‌شود

در این فصل نویسنده در مبحث مربوط به سربازان و صنعتگران، شرح می‌دهد که اشغال شیروان توسط روسیه نه به جهت اقتصادی، بلکه بیشتر به جهت استراتژیک بوده است. پس از اشغال این سرزمین‌ها، اراضی مالکان و زمینداران بزرگ به افسران روسی که به منطقه آمده بودند، واگذار می‌شود.

در این دوره منابع نفتی باکو بسیار ابتدایی بودند و پس از اشغال بلااستفاده مانده بود. در ۱۸۱۶ پس از یک دهه تجاوز روس‌ها، بیش از یکصد حلقه چاه نفتی در آبخوران بازگشایی می‌شود. بیشتر این چاه‌های نفت، نفت سیاه (برای سوخت) و نفت سبز (مخلوط) تولید می‌کردند، اگرچه در سال ۱۸۳۷، فقط ۱۶ «چاه سنگی» نفت چراغ تولید می‌کرد.

نویسنده در ادامه بحث اظهار می‌دارد که پیش از صنعتی شدن نفت آذربایجان، منابع نفتی آن شامل دو چاه نفت دریایی بود که جزو اولین چاه‌های دریایی تاریخ بودند. یکی از آنها متعلق به ملانجفقلی فرماندار محلی باکو بود که از سوی اشغالگران حمایت می‌شد و دیگری به

قاسم بیک، استخراج‌کننده نفت تعلق داشت که دو چاه در ۲۵ یاردی ساحل را در عمق کمتر از ۲ پا در اختیار داشت.

در این مبحث نویسنده ورود متخصصان روسی و غربی به صحنه صنعت نفت آذربایجان را شرح می‌دهد. همچنین کشف نفت در سواحل شرقی دریای خزر، در شبه جزیره چله کن در ساحل جنوب شرقی خزر در محدوده ترکمنستان در سال ۱۷۸۱ خبر می‌دهد که توسط کاپیتان مارک ایوانویچ و وینوویچ از اشراف یوگسلاوتبار، که از آستاراخان به جنوب دریانوردی کرده بود، کشف شده است. در ۱۸۱۹ در نزدیکی همان محل، جغرافیدان دیگری به نام نیکلای نیکلایویچ موراوویف (گرچی تبار) نشت نفت را در نزدیکی همان محل کشف کرد. این بخش از کتاب تا ورود نوبل‌ها به منطقه، به شرح وقایع تاریخ استخراج و تولید نفت در منطقه می‌پردازد.

ورود نوبل‌ها

در ژوئن ۱۸۷۳ یک مهندس آلمانی، یک مخزن بزرگ نفتی زیرزمینی در آبشوران دست یافت. هنگام حفر چاه، جویبار کوچکی از نفت به بیرون زد و سپس یک انفجار زیرزمینی رخ داد و انفجار دیگری با قدرت بیشتر در سطح رخ داد که همراه با گاز، خاک و سنگ همه جا را پوشاند. برای جلوگیری از جریان نفت، این مهندس قالبی فولادی بر روی چاه نصب کرد تا از فوران نفت جلوگیری کند. شب بعد، فوران کرد و در پوش فولادی را صدها متر دورتر پرتاب کرد. فوران چاه با ارتفاع ۳۰ متر در مدت ۳۰ روز ادامه یافت و کسی توانایی جلوگیری از آن را نداشت. برآورد شده است که حدود ۸۴۰۰ متر مکعب نفت از بین رفته است.

پس از ورود آمریکایی‌ها به آبشوران در ۱۸۷۰، لوئیس و روبرت نوبل، برادران سوئدی نیز وارد صحنه می‌شوند و دو چاه نفت خریداری می‌کنند و بدین ترتیب مالکان منابع نفتی می‌شوند. آنها نفت را از طریق راه آهن انحصاری ولگاگراد - ریگا، که امتیاز آن را خریداری کرده بودند، حمل می‌کردند. آنها همچنین یک طرح برای بازسازی پالایشگاه بزرگی در محل پالایشگاه کوچک قبلی در آبشوران، انجام می‌دهند. سپس مخازن نفت ایجاد کرده و در امکانات ذخیره‌سازی و پالایشگاه سرمایه‌گذاری می‌کنند.

مباحث دیگر این فصل عبارتند از:

- ورود روچیلدها
- جریان سفته‌بازی
- ظهور مارکوس ساموئل
- پایه از هم می‌پاشد
- جنگ جهانی اول
- ظهور طبقه کارگران صنعتی در باکو.

فصل سوم: ورشکستگی ۶-۱۹۰۵

- ورود رویال دوچ
- اله کلنگ عرضه و تقاضا
- غارت در باکو، جنگ ارمنی مسلمان
- گسترش اکتشاف نفت در آسیای مرکزی
- مروارید سیاه گروزنی

فصل چهارم: توطئه و جنگ جهانی اول

- مردی از هاگو، ساموئل شل و شرکت حمل و نقل و تجارت
- کاهش تولید و افزایش بهای نفت
- تأمین منافع روسیه
- ستون‌های چهارگانه باکو
- برخورد جنگ بزرگ
- انقلاب و قدرت
- پایان یک عصر

فصل پنجم: طلای سیاه قدرت سرخ

- مأموریت کیروف

- تور تجاری کراسین
- باکو احیا می‌شود
- کاهش صنعت
- لایه ضخیم سم
- ظهور ماورای خزر
- کابوس زیست‌محیطی

فصل ششم: بازگشت غرب

- هم‌بستر غیر متحمل
- Cold War به Gold War تبدیل می‌شود
- تجارت شکوفا می‌شود
- سومین یورش به نفت خزر
- اولین در دهه ۱۸۷۰، دومین در دوره خروشچف و سومین مورد پس از فروپاشی شوروی.
- دهانه بطری‌ها و خواب لوله‌ها
- کتاب از انسجام خوبی برخوردار است و مطالب تاریخی و سیاسی خوبی ارائه داده است
- که تاکنون در ایران منتشر نشده است. در صورت ترجمه، می‌تواند به غنای فرهنگ موضوع منطقه قفقاز و خزر کمک شایانی بنماید.

بهرام امیراحمدیان

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز